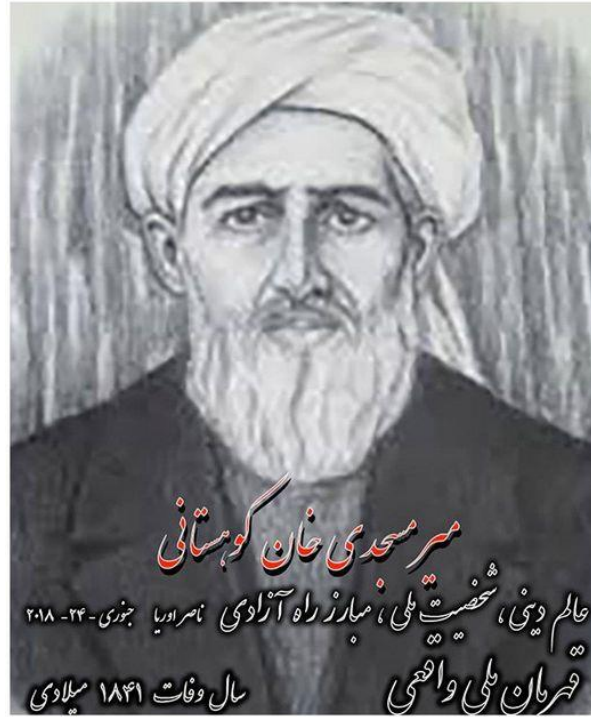




۳۰ جنوری، ۲۰۲۴

داکتر ناصر اوریا

به یاد بود یک قهرمان ملی واقعی میر مسجدی خان کوهستانی یکی از قهرمانان ملی افغانستان



میر مسجدی خان کوهستانی یکی از قهرمانان ملی افغانستان هنگام جنگ اول افغان - انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲ میلادی) است که با یاران هم‌زمش کمر قوای انگلیس را در مناطق کوهستان شکست. وی در سال ۱۸۴۱ میلادی یکی از مبارزان ملی و یک رهبر برجسته آزادی خواهان افغان و مخالف مداخله انگلیس ها و نصب شاه شجاع به عنوان امیر افغانستان بود. وی تا زمان مرگش (۲۷ نومبر ۱۸۴۱) همچون یک کوه استوار مقابل قوای اشغالگر ایستاد و شمال کابل را از شر تجاوزگران

مصئون نگهداشت. هموطنان را قتل نکرد و با اجنبی ها علیه منافع ملی، پروتوکول و یا قراردای نبست. روحش شاد و بهشت برین مکانش باد!

د افغانستان - انگریز د لومړی جگری (۱۸۳۹ - ۱۸۴۱) یو ریښتینی ملی اتل، میر مسجدي خان کوهستانی دی چی له خپلو زرورو ملگرو سره یی په کوهستان کښی د پرنګی لشکر ملا ماته کړه. هغه په ۱۸۴۱ میلادی کال کی د افغانستان د نورو ملی مبارزینو او آزادی غوښتونکو په څیر د پرنګی له خوا د افغانستان د امیر په توګه د شاه شجاع د نصبولوسره د مخالفینو یو وتلی ملی مشر وه. میرمسجدي خان د یو لوړ غره په شان د انگریزی ښکیلاکګر ځواک په مخ کی ودریده او د کابل شمال یی دانگریزانو له تاراکه وساته. څرنګه چی مکناتن و نه توانیده د جگری په ډګر کی میر مسجدي خان او افغان ځواکونو ته ماته ورکړی نو د انگریزانو مشهور جاسوس موهن لال، میر مسجدي خان په زهر و مسموم کړ او د ۱۸۴۱ کال د نومبر په ۲۷ نیټه یی له نړی سترګی پټی کړی. وروسته انگریزی ځواک یو تاریخی ماته خوړه چی په پایله کښی یواځی انگریزی ډاکټر برابډن ته اجازه ورکړل ښوه چی ځان نیم ځانه جلال آباد کی انگریزی قواوو ته ورسوی او ددی شرمونکی ماتی خبر وروری. دا تاریخی ویاړ د ملی مبارزینو لکه میر مسجدي خان، امین الله خان لوګری، وزیر محمد اکبرخان، محمد شاه خان لغمانی، سردار سلطان احمد خان، عبدالله خان اڅکزی، محمد شاه خان غلجایی، سردار شمس الدین خان، نائب نواب محمد زمان خان، محمد شاه خان بابکرخیل او نورو مشرانو د مبارزی او وینو په بیه لاس ته راغلی وه.

دغو ملی مشرانو او مبارزینو نه د کابل د خلکو وینی توی کړی او نه یی د خپل هیواد په ضد پرديو سره پروتوکولونه یا تړونونه وکړل، او نه یی د خلکو ځمکی غصب او نه یی ملی شتمنی او کانونه چور او لوټ کړل. ارواح دی ښاده او فردوس جنت دی ځای وی. معلومات بیشتر:

میر غلام محمد غبار در کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" در باره وی چنین می نگارد:
"سید میر مسجدي خان مشهور در قلعه خویش در جلگاه بحیث مرکز مجاهدین باقی ماند. در این قلعه جنگی ۵۰ نفر مرد مبارز اقامت داشت. انگلیس ها که تشنه خون میر مسجدي خان بودند و چندین هزار کلدار قیمت سر او را گذاشته بودند، بطور ناگهانی و مخفی در ۳ اکتوبر سپاهی قوی به این قلعه کشیدند و محاصره کردند. میر مسجدي خان با افراد خود در عقب تیرکش ها و برج های

قلعه قرار گرفتند و جنگ آغاز شد. هیچ گله ئی از این مجاهدین خطا نمی‌کرد. اما توپخانه دشمن قابل دفاع نبود و توانست که دیواری از قلعه را بشکافد. پس سپاه انگلیس بالای این شکاف بزرگ ریختند. میر مسجدی خان و رفقایش با سیلاوه های ثقیل دهنه شکاف را سد کردند. دیگر آتش توپ و تفنگ از کار فرو ماند و جنگ تن به تن آغاز شد. دسته های دشمن یکی پی دیگری در دهنه شکاف می‌رسیدند و می‌جنگیدند. میر مسجدی خان زخم سختی از سر نیزه دشمن برداشته و در دهنه شکاف مثل شیر زخمی و خون چکان شمشیر می‌زد. سپاه انگلیس که چنین مقاومتی از یک عده چند نفری دید جرئت پیشروی را از دست داد، زیرا ضیق شکاف مجال هجوم دسته‌جمعی نمی‌داد. اینست که دسته های مهاجم به عقب کشیدند و میر مسجدی با رفقای خود از قلعه خارج شدند و به استقامت نجراب حرکت کردند. همین دلیری میر مسجدی خان بود که موضوع ترانه‌های حماسی کوهستان گردید. این ترانه‌ها بعد از بیشتر از صد سال هنوز در زبان مردمان این سرزمین ساری و جاری است. میر مسجدی خان بعد از چند روز که زخمش بسته گردید با یک عده مبارزین از نجراب به گلپهار برگشت و بیرق جهاد بر افراشت".

انعکاس شجاعت و دلیری میر مسجدی خان و دیگر مبارزین ملی را در داستان‌ها و اشعار فلکلوریک و حماسی مردم میتوان به وضوح مشاهده کرد.

محمد غلام غلامی که شاهد رزم حماسی میر مسجدی خان بود، در اثر منظومش به نام "جنگنامه" شهامت و استواری میر مسجدی خان و یارانش را به تفصیل ذکر نموده است. وقتی لشکر چند هزار نفری انگلیس قلعه میر مسجدی خان را به محاصره درآورد، او به پسران و رزم آورانش ندا سر داد:

بگفت آنزمان مسجدی که این سران

دلیران و شیران و جنگ آوران

بباید همه پایداری کنیم

نباید که بی‌اعتباری کنیم

گریزید ریزید خوی از چین

ز شرم آبروی خود اندر زمین

چنین گفت آن مسجدی با سران

که ای کامگاران نام آوران

نباشد کسی در جهان جاودان
چنین است امر خدای جهان
هر آنکو ز مادر بزائیده است
به آخر سرش خاک سائیده است
بود آنکه نامی به چنگ آوریم
شگفتی به خلق فرنگ آوریم
بباشید همه در جنگ پایدار
که این نام ماند زما یادگار
وزان بعد میر مسجدی کامگار
ابا نیز محمد شه نامدار
در آنجا که بود شان همیشه قرار
سکونت به نزدیکی چریکار
بگفتند که جایگه بهر جنگ
نباشد سزاوار خیل فرنگ
نباشیم ز این پس در این جایگاه
که گردد همی کار بر ما تباه
بباشد یکی قلعه از بهر جنگ
بکوشیم چندی به خیل فرنگ
یک قلعه از مسجدی نامدار
همی بود در جلگه خضری کران
پسندیدند آخر همه سرکشان
و از آن بعد آن مردم نامجو
سوی جلگه خضری بکردند رو
همی رفت آن مسجدی نامدار
بهمراه پسر با برادر چهارشنبه

سروده حماسی و فلکلوریک "بیا بچیم انگور بخو" تا امروز در بین مردم مشهور است:

محمد جان خان، مرد میدان است	ایوب خان، شیر غران است
میربچه خان، رس رسان است	آزادی، فخر افغان است
رابت کل، لات کلان است	بیا بچیم، انگور بخو

مکناتن انگلیس که از تلاش میرمسجدی خان برای اتحاد وسیع مبارزان سخت هراسان بود، رابرت سیل یکی از جنرالان ارشدش را به قیادت تیمورشاه (پسر شاه شجاع) برای سرکوب قیام ملی کوهستان فرستاد. میرغلام محمد غبار در مورد مبارزات میرمسجدی خان چنین می‌نویسد:

"مردم کوهستان به رهبری مجاهد مشهور میرمسجدی خان و مردم نجران و بقیادت سلطان محمد خان برخاستند و به این صورت تمام قلعه های این ولایت شکل استحکامات جنگی اختیار نمود".

قیام دلیرانه مردم کوهستان و نجران که در راس آن میرمسجدی خان غازی، محمد شاه خان غازی و میر درویش خان (برادر میر مسجدی خان) قرار داشتند در ماه نومبر ۱۸۴۰ میلادی به اوج خود رسیده و اثرات آن تا کابل رسید.

انگلیس ها که در میدان نبرد نتوانستند میر مسجدی خان را از پا آورند، طبق معمول به توطئه و خدعه متصل شده و بواسطه موهن لال (جاسوس مشهور انگلیس که بالاخره توسط افغان ها به قتل رسید) با پرداخت ده هزار روپیه به یکی از خدمتگاران میرمسجدی خان به نام محمدالله، میرمسجدی خان را زهر داده و وی را مسموم نمودند که در اثر آن میر مسجدی خان به تاریخ ۲۷ نومبر ۱۸۴۱ جان به جان آفرین تسلیم کرد.

پیکر مطهر میر مسجدی خان در جوار مزار پدرش، خواجه اسحق صاحب، در قریه ده قاضی، در پروان به خاک سپرده شد.

جنگ اول افغان – انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲ میلادی) شکست مفتضحی را در تاریخ تارخ و غارت های انگلیس رقم زد. در این کارزار با انگلیس ها وعده داده شد که می توانند قرارگاه خویش را با وسایل و لوازم خویش ترک نموده و به قوای آنها حمله ای صورت نخواهد گرفت ولی انگلیس ها خلاف مفاد فیصله نامه وقت گذری و وقت تلفی می نمودند تا قوای تازه نفس انگلیس که به صوب آنها ارسال شده بود به آنها برسد و مبارزین افغان را از دو طرف مورد حمله قرار داده تار و مار نمایند.

زمانیکه مبارزین ملی به این دسیسه پی بردند به لشکر انگلیس ها یورش برده از لشکر هفده هزار نفری انگلیس تنها برای «داکتر برآیدن» اجازه داده شد تا نیمه جان خود را تا جلال آباد رسانده و خبر شکست لشکریان متجاوز را به قوای انگلیس برساند.

این افتخار تاریخی در اثر خود گذری، جانفشانی و رهبری مدبرانه مبارزین ملی چون میرمسجدی خان و سایر سران جنبش آزادی خواهی مانند امین الله خان لوگری، وزیر محمد اکبر خان، محمد شاه خان لغمانی، سردار سلطان احمدخان، عبدالله خان اچکزی، محمد شاه خان غلجایی، سردار شمس الدین خان، نایب نواب محمد زمان خان، محمد شاه خان بابکرخیل و دیگران به قیمت خون هزاران فرزند صدیق و وطندوست بدست آمده است.

این سران ملی نه جوی های خون را در کابل جاری ساختند و نه با هیچ اجنبی پروتوکولی علیه مردم خویش امضا نمودند و نه قراردادی خلاف منافع ملی بستند.

نه زمین های مردم را غصب و نه معادن وطن را تاراج نمودند بلکه این جانفشانی شان در راه خدا و آزادی وطن بود و در مقابل از هموطنان خود مزد و اجری تقاضا ننمودند.

برماست که از این ابر مردان تاریخ بیاموزیم و کارنامه های آنان را سرمشق قرار دهیم.

روح میر مسجدی خان و تمام ابرمردان تاریخ افغانستان که دستان شان به خون هموطنان رنگین نبوده و با دشمن میهن هیچ سازش و قراردادی ننموده بودند، شاد و بهشت مکان باد.

ناصر اوریا * ۲۴ جنوری ۲۰۱۸ - تکراس